

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

جولانِ شاعر

در قلمرو هستی جلوه نمایان کن
باده را خیالی نیست ترک این خمستان کن
آخر ای دو چشم از خون موج خیز و طوفان کن
«لا اله الا الله» گفته دفع شیطان کن
داد از فلک بستان، هرکه هست حیران کن
ملتی به قربانی ست، همت ای سخندان کن
در دل عدو بگذار چهره ها نمایان کن
خیز و بر زمین بشکن، کار شیرمردان کن
دیده وا کن و یک بار یاد قوم افغان کن
مرغ زخمی مصدوم رحم کرده درمان کن
درد او ببین چونست جست و جو و پرسان کن
با تأثر و حسرت دیده اشکریزان کن
ملت سراپا درد یاد آر و گریزان کن
بهر طفل آواره، فکر لقمه نان کن
از سرشک خونینی موج ها به دامن کن
این گره ز هم بگشای مشکل خود آسان کن
در مزار طوفان است، روبه شاه مردان کن
رنج و غم شده بی حد، بار غصه پایان کن

«ای قلمبدست آخر» زود باش و جولان کن
حول نیست و حالی نیست، عشق را مجالی نیست
آه! دل نمیدانم رشته در کجا دارد؟
گر سیه دل گمراه، میرسد به تو از راه
دفع گر نشد شیطان، نعره زن بده فرمان
دور دور شیطانی ست، صحنه رجزخوانی ست
جوهر سخن پر بار، خنجر قلم بردار
این فلک ستیزان را، مغز زورمندان را
در جهان گیر و دار، سر ز پای غم بردار
یاد ملت مظلوم، یاد ملت معصوم
ملتی که مغبون است غرق دجله خون است
بین که آخر این ملت تا به کی کشد ذلت
ملت سراپا غم، ملت سراپا خون
با زنان بیچاره، مرد پیره ن پاره
ملت خوش آئینی، سرفراز و سنگینی
مشکل ترا هرگز کس نمی کند آسان
کابلت پریشان است، قندهار ویران است
کای سلاله احمد، ای صحیفه رحمت

این سیهـدلان امروز نارواتر از دیروز درس مردمی آموز، کار شان به سامان کن
از «اسیر» غمپرور، گـر نمیکنی باور
ظلم دشمنان بنگـر، قد کشیده طغیان کن

(بن – المان، نومبر ۲۰۰۱ع)